



قال رسول الله ﷺ:

﴿إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا فَلْيُتَقِنْ﴾

الكافي، ج ۳، ص ۲۶۳

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظایفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

مبحث اول؛ تشکیلات تحت ولایت الله یا ولایت طاغوت – بخش ۱

شناسنامه مطلب	
m-t-48	کد مطلب
مهارتی/تشکیلاتی/مبانی و اصول/ماهیت تشکیلات توحیدی	رده
توحیدی، طاغوتی، فنون، روح مدیریت، تقوا	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی نُمُو

nomov.ir

ما وظیفه داریم کار را تشکیلاتی انجام بدهیم. در کار فردی هر چقدر هم فرد فوق العاده باشد، رسیدن به اهداف بلند برایش میسر نیست. همچنانکه انبیاء علیهم السلام با وجود اینکه از تأییدات خداوند متعال بهره مند بودند ولی فردی حرکت نمی کردند. کار الهی انبیاء، تشکیلاتی بوده است.

قرآن، تکلیف تشکیلات را روشن کرده است. **اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ** ^۱ هر تشکیلات و نظام بشری یا تحت ولایت الله است و یا تحت ولایت طاغوت. مشکلی که ما داریم این است که وقتی طاغوت مطرح می شود، ما فوراً مصادیقش را می بریم روی ابوسفیان و ابوجهل و معاویه. اگر چه این ها مصداق تام طاغوت هستند ولی قرآن کتاب ناس است تا روز قیامت؛ بنابراین باید ببینیم این را چه قدر بر خودمان می توانیم تطبیق کنیم. پس هر چه غیر از الله باشد، می شود طاغوت. چه از درون انسان باشد و چه از بیرون.

مسئله نفسانیات و منیّت، یکی از مهم ترین آفاتی است که یک تشکیلات دچار آن می شود. منیّت، اهداف بسیار متعالی یک سازمان و تشکیلات را در نهایت به یک ویروس آلوده علیه جامعه اسلامی تبدیل می کند. لذا اولین شرط برای یک تشکیلات این است که با یک مدیریت توحیدی اداره شود. بین مدیریت و تربیت نفس یک رابطه ذاتی و مستقیمی وجود دارد. شخص باید با این نگاه مدیریت و برنامه ریزی کند که هر چه هست خداست و زندگی حقیقی در آخرت است و این دنیا خوابی بیش نیست لذا ارزشی ندارد که انسان یک نگاه تنگ نظرانه و ناچیز داشته باشد و محاسبات خود را از آن افق های بلند و حقیقی بردارد.

غرض از تشکیلات این است که تمام وجودمان و تمام ابعاد وجودیمان، درون و برونمان، فعالیت های فردی و جمعی و اقتصادی و آموزشی و ... در عبودیت حضرت حق قرار بگیرد یا با این عبودیت، حکومت حضرت حق نمود و ظهور پیدا کند؛ یعنی وقتی عبودیت تحقق پیدا کرد، این می شود مدیریت توحیدی و اسلامی. اگر غیر این شد، نوعی از مدیریت طاغوت با هر مرتبه ای که دارد.

ما اگر بخواهیم در مسائل تشکیلاتی و فنون آن ورود کنیم، باید قبل از آن، مسائل توحیدی در ما حل شود و الا به شکل های مختلف، آن فن نباشد از این بهتر است؛ چون انسان را به حکومت طاغوت نزدیک می کند و هر چه قدر دست انسان از چنین مدیریتی زودتر قطع شود، به نفع خود اوست. امام رضوان الله تعالی علیه در جایی فرمودند: اینکه ما کافران را می کشیم، به نفع خودشان است زیرا اگر زنده بمانند عذاب خود را شدیدتر می کنند لذا این برای آنها رحمت است. انسان آنقدر ارزش دارد که اگر نتواند به هر دلیلی در فضای مدیریت توحیدی حرکت کند، هر چه قدر زودتر دست خودش را قطع کند به نفع خودش است چون در مدیریت طاغوتی گرفتار می شود؛ و شاید علت این که بزرگان می فرمایند: انسان اول باید از تقوا بهره مند شود، سپس وارد فضای اجتماع شود، همین مطلب است. امام رضوان الله تعالی علیه فرمودند: خدا نکند تا انسان مهذب نشده

است، جامعه به او روی بیاورد. پس فرقی ندارد که ما یک کتابخانه را مدیریت کنیم و یا یک وزارتخانه را مدیریت کنیم و یا یک مغازه را مدیریت کنیم و یا اصلاً در خانه، بچه مان را مدیریت کنیم؛ بنابراین اول باید روی آن روح مدیریتی خیلی حساس باشیم. فنون مدیریتی لازم است اما آنچه که حساسیت دارد، روح مدیریتی است.^۱

ادامه دارد...